

## Women's Reactions to Their Husband's Temporary Marriage

Maryamossadat Seghayat<sup>1</sup> , Shohre Rowshani<sup>2</sup> , Mansourch Zarean<sup>3</sup> 

1. PhD, Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding author). [mslseghayat@gmail.com](mailto:mslseghayat@gmail.com)
2. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. [sh.rowshani@alzahra.ac.ir](mailto:sh.rowshani@alzahra.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Social Sciences and Development Studies, Women Research Center, Alzahra University, Tehran, Iran. [m.zarean@alzahra.ac.ir](mailto:m.zarean@alzahra.ac.ir)

### Abstract

One of the most significant factors affecting the consequences of married men's temporary marriage (*mut'ah*) on the family is how the permanent wife reacts to her husband's temporary marriage. This study aims to investigate women's reactions when faced with their husband's temporary marriage. Using a descriptive phenomenological approach, interviews were conducted with 24 women who had experienced their husband's temporary marriage, and the interviews were analyzed. The findings reveal that women's reactions include: Disclosure – informing the husband about their awareness, investigating the nature of the relationship, contacting the temporary wife, and confronting the husband. Resilience – remaining silent and patient, accepting and adapting, and deciding to continue the marriage. Revenge-seeking – engaging in confrontational behaviors and pursuing legal action against the husband. Motherhood Focus – striving for children's well-being and having more children to increase intimacy and sustain the marriage. Well-being Enhancement – improving marital relations and personal development. Women's reactions can be categorized into problem-focused coping (resilience, motherhood focus, and well-being enhancement) and emotion-focused coping (disclosure and revenge-seeking). Key factors influencing these reactions include prior consent and awareness, emotional and sexual intimacy, having children, and economic support. Given the significant role of women's coping strategies in shaping the outcomes of their husband's temporary marriage, it is recommended that women facing this issue receive training on appropriate coping strategies.

**Keywords:** Temporary Marriage, Women, Husband, Family, Spouse.

---

Received: 2024/04/20 ; Revised: 2024/05/23 ; Accepted: 2024/06/13 ; Published online: 2024/09/26

© The Author(s).

Article type: Research Article

<https://doi.org/10.22081/sscs.2025.67147.1262>

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary



## کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر<sup>۱</sup>

مریم السادات سقایت<sup>۱</sup>، شهره روشنی<sup>۲</sup>، منصوره زارعان<sup>۳</sup>

۱. دکتری، مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). ms1seghayat@gmail.com

۲. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
sh.rowshani@alzahra.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مطالعات علوم اجتماعی و توسعه، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.  
m.zarean@alzahra.ac.ir

### چکیده

یکی از مهم‌ترین عواملی که در ایجاد پیامدهای ازدواج موقت مردان متأهل برای خانواده نقش دارد، چگونگی واکنش همسر دائم در مواجهه با ازدواج موقت شوهر است. از این‌رو هدف پژوهش حاضر مطالعه کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسرشان است. به این منظور با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی توصیفی، با ۲۴ نفر از زنانی که تجربه ازدواج موقت همسر را داشته‌اند، مصاحبه نموده و به تحلیل مصاحبه‌ها پرداخته است. براساس یافته‌ها، کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر، «افشاگری» شامل اعلام اطلاع از موضوع به همسر، تجسس در کیفیت رابطه، برقراری ارتباط با همسر موقت و جدال با همسر، «تاب‌آوری» شامل سکوت و صبوری، پذیرش و سازگاری و تصمیم به ماندن در زندگی، «انتقام‌جویی» شامل رفتارهای مقابله‌ای و حقوقی کردن رابطه همسری، «تمرکز بر مادری» شامل تلاش به منظور بهزیستی فرزندان و فرزندآوری برای افزایش صمیمیت و تداوم زندگی و «افزایش بهزیستی» شامل ارتقای رابطه همسری و ارتقای فردی بوده است. کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر را می‌توان در دو دسته مقابله مسئله‌مدار و مقابله هیجان‌مدار قرار داد. «تاب‌آوری»، «تمرکز بر مادری» و «افزایش بهزیستی» مقابله مسئله‌مدار، و «افشاگری» و «انتقام‌جویی» مقابله هیجان‌مدار است. از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر چگونگی کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر، رضایت و آگاهی قبلی زن، میزان ارتباط عاطفی و جنسی، داشتن فرزند و پشتوانه اقتصادی است. با توجه به نقش نحوه مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر در ایجاد پیامدهای بعدی، آموزش اتخاذ راهبردهای صحیح در مواجهه با این موضوع به زنان درگیر با این مسئله پیشنهاد می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ازدواج موقت، زنان، شوهر، خانواده، همسر.

۱. **پژوهش حاضر برگرفته از:** رساله دکتری مریم السادات سقایت با عنوان «تجربه زیسته زنان در مواجهه با عقد موقت شوهران» ارائه شده در دانشگاه ادیان و مذاهب قم است.

**استناد به این مقاله:** سقایت، مریم السادات؛ روشنی، شهره؛ زارعان، منصوره (۱۴۰۳). کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۸(۲)، ص ۲۲۹-۲۵۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

https://doi.org/10.22081/ses.2025.67147.1262

ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



## ۱. مقدمه

ازدواج به همراه سازوکارهای تحقق و نظم و ترتیبات مرتبط با آن، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم متأثر از تحولات جامعه و هم تأثیرگذار بر آن می‌باشد. از آنجاکه هیچ نهادی همانند ازدواج، ثابت و پایدار نیست و هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ زیستی و اجتماعی هیچ نهادی همانند ازدواج تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد (احمدی، ۱۳۸۷؛ احمدی و همکاران، ۱۳۸۴؛ فتحی آشتیانی و احمدی، ۱۳۸۳)، ازدواج را می‌توان به نوعی سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که زن و مرد بر پایهٔ باورها، ارزش‌ها و روابط اجتماعی خود به‌طور مشترک در آن حضور دارند. هرچه میزان خطرپذیری این سرمایه کم‌تر باشد، پیامدهای آن قابل پیش‌بینی و احتمالاً مطلوب‌تر است؛ و هرچه قدرت خطرپذیری آن افزایش یابد، پیامدهای آن در زندگی افراد غیرقابل پیش‌بینی و احتمالاً نامطلوب‌تر خواهد بود (لیبی و حیدری ورنامخواستی، ۱۳۹۱، ص ۳۱-۳۰).

ازدواج موقت یکی از انواع ازدواج است که مشروعیت آن در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ مورد تأیید همهٔ مسلمانان بوده است (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰). ازدواج موقت به‌رغم تردیدناپذیری آن از نگاه فقه شیعه، در چند دههٔ اخیر یکی از مسائل چالش‌برانگیز اجتماعی- فرهنگی بوده است. عده‌ای از کارشناسان، رواج ازدواج موقت را باعث شیوع فساد بیشتر در سطح جامعه دانسته‌اند؛ در حالی‌که برخی دیگر بر این باور هستند که تنها راه جلوگیری از فساد روزافزون جامعهٔ کنونی، ترویج و تشویق به ازدواج موقت است (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۸). موافقان ترویج ازدواج موقت معتقدند که بهترین روش برای هدایت غرایز ذاتی و فطری انسان، ازدواج دائم است. از نگاه آنها با مسئولیت دائمی و محدودیت‌های ایجاد شده برای زوجین در ازدواج دائم و از سوی دیگر با افزایش سن ازدواج به دنبال تغییرات اقتصادی- اجتماعی، احتمال ازدواج دائم جوانان کاهش یافته است. همچنین نرخ بالاتر مرگ‌ومیر در مردان و افزایش طلاق در زوج‌های جوان، موجب پایین آمدن سن بیوه‌گی زنان ایرانی در سال‌های اخیر شده است. ترویج ازدواج موقت می‌تواند بخشی از مشکلات زنان بیوه را حل نموده و از انحرافات احتمالی جلوگیری کند (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۸). مخالفان ازدواج موقت با توجه به کژکارکردهای احتمالی ازدواج موقت، از جمله کاهش نرخ ازدواج دائم، سوءاستفاده‌های ابزاری از زنان، مسئله زاد و ولد در این نوع ازدواج‌ها، به خطر افتادن سلامت جسمی و روحی زنان و... مخالف آن هستند. اما آنچه که حائز اهمیت است اینکه ازدواج موقت، همانند بسیاری از موضوعات دیگر، قبل از اینکه شرایط و زمینه‌های لازم آن در جامعه، فرهنگ و خانواده در نظر گرفته شود و یا از صافی ظریف تحقیق و پژوهش گذرانده شود تا مشخص گردد چه اشخاص، در چه شرایط، با چه ویژگی‌های شخصیتی و فکری و نیز با چه تعهداتی می‌توانند اقدام به آن نمایند و پیامدهای آن برای



برخی چه خواهد بود، از سوی عده‌ای با دلایل متعدد ترویج و تبلیغ می‌گردد؛ و در قرن حاضر حتی تصمیم‌های خصوصی افراد عادی جامعه، مشکلات اجتماعی وسیعی به وجود می‌آورد (اعزازی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴). موضع‌گیری‌های شدید پیرامون ازدواج موقت نشان‌گر میزان اهمیت این پدیده از یک‌سو و کمبود شناخت و آگاهی علمی در این زمینه از سوی دیگر است که سبب ابراز نظرات افراطی یا تفریطی نسبت به موضوع شده است. پژوهش‌های دقیق علوم اجتماعی و انسانی می‌تواند زمینه‌ها، شرایط، ابعاد، علل و پیامدهای فردی و اجتماعی ازدواج موقت را به روشنی تصویر نماید و راه را برای برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در این زمینه هموار کند (ریاحی، ۱۳۹۱، ص ۴۸۹). بنابراین، توجه به این مسئله در جامعه و بررسی آن از ابعاد مختلف، حائز اهمیت می‌باشد تا به یک فهم درست از موضوع نائل آمده و برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های درستی اتخاذ نمود. بر این اساس، با توجه به اینکه ازدواج موقت مردان متأهل، یکی از عوامل ایجاد فشار روانی در زندگی همسر دائم آنان است، بررسی راهبردهای مواجهه با آن حائز اهمیت است و می‌تواند در شناسایی و ارائه شیوه‌های کارآمد در مواجهه با مسئله مؤثر باشد. از این‌رو هدف پژوهش حاضر مطالعه کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسرشان بوده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های بسیاری که در حیطه روابط زناشویی انجام گرفته است، تحقیقاتی که اثرات حضور عاطفی - جنسی فرد دیگری در زندگی مشترک را مورد بررسی قرار داده، صرفاً به عنوان خیانت و روابط فرازناشویی شناخته شده است؛ ولی در دین اسلام نوع دیگری از ازدواج به نام ازدواج موقت وجود دارد که علاوه بر مردان مجرد، مردان متأهل نیز ضمن داشتن همسر دائم می‌توانند به آن اقدام کنند. بنابراین، ازدواج موقت از نظر شرعی، رابطه فرازناشویی و خیانت نیست و تفکیک آن از رابطه فرازناشویی و خیانت، لازم است مورد توجه قرار گیرد.

رحیمی امین (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان داد که زنان در مواجهه با خیانت همسر، کنش‌هایی با دو رویکرد مقابله‌گرانه و اصلاح‌گرانه دارند که در نهایت نتایج آن ترمیم رابطه و یا تخریب آن است. کنش‌های اصلاح‌گرانه شامل چشم‌پوشی و تغافل، بی‌تفاوت شدن نسبت به خیانت شوهر، کنترل‌گری، استمدادطلبی، تلاش برای قطع رابطه نامتعارف، بازگشت به خانه و تلاش برای جلب رضایت شوهر است و کنش‌های مقابله‌گرانه شامل انتقام و اقدامات تلافی‌جویانه، دوری‌گزینی از همسر، تلاش برای اثبات خیانت، تهدید، افشای خیانت، ارتباط با رقیب و تلاش برای طلاق بوده است.

کمالی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی ضمن استخراج درون‌مایه‌های آشفستگی شدید روانی و جسمانی، تجربه احساسات ناخوشایند، اشتغال فکری با چرایی رویداد، نابسامانی رابطه با همسر

پیمان‌شکن و سوگ و حسرت، به این نتیجه رسیدند که در روابطی که مرد درصدد دلجویی و جبران ناخوشایندی بوده است، تأثیر مثبت آن در بهبود زندگی مشترک مشاهده شده است.

آسایش و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که زنان آسیب‌دیده، از نظر شناختی، بی‌وفایی را به صورت‌های مختلف درک کرده و در برابر آن به دو صورت واکنش‌های ناسازگارانه و سازگارانه اقدام کرده‌اند. واکنش‌های ناسازگارانه شامل خلل در باورهای دینی، سوءظن و بی‌اعتمادی، اشتغال و وسواس فکری، خلل در معنای زندگی، تصمیم‌گیری غیرسازشی، اندیشه‌ورزی به مجازات مقصر، خودارزیابی منفی و اختلال در تفکر؛ و واکنش‌های سازگارانه شامل افکار دفاعی مثبت، استمداد به باورهای دینی و افکار سازش‌طلبانه برای تصمیم‌گیری بوده است.

امینی‌ها و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که همسران بعد از افشای خیانت، دو رویکرد فردی و تعاملی داشتند که رویکرد فردی شامل مدیریت هیجانات منفی و بهره‌مندی از معنویات، و رویکرد تعاملی شامل رقابت، اجتناب، توافق و مشارکت می‌باشد.

دگروت (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان داد افراد، در مواجهه با خیانت، روش‌های مقابله‌ای گوناگون مانند کمک گرفتن از خانواده، مذهب، دوستان، مشاوره فردی، مطالعه، بخشیدن فرد مقابل و مشارکت در گروه‌های پشتیبان را انتخاب کرده‌اند.

گواررو و باکمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) در پژوهشی دریافتند بعد از خیانت، روابط سازنده باعث ترمیم ارتباط زناشویی و وفاداری شده و روابط مخرب مؤثر بر کاهش ارتباط، انتقام‌گیری و دوری همسران از یکدیگر بوده است. مشارکت‌کنندگانی که خیانت همسر را گناه غیرقابل بخشش دانسته‌اند، سبک ارتباطی مخرب و دوری را انتخاب کردند. بهبود روابط پس از خیانت همسر، بسیار سخت بوده و مواردی همچون احساس رضایت و سرمایه‌گذاری بر روابط زناشویی و ارتباط کم با فرد سوم، در بهبود زندگی اثرگذار بوده است. میزان وابستگی به همسر به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر انتخاب الگوی ارتباطی اثر داشته است. افراد، پس از تجربه بی‌وفایی، تعهد جدید خود به زندگی را بدون توجه به تعهد گذشته مورد بررسی قرار داده‌اند. اولسون<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی دریافتند که متعاقب آشکاری خیانت همسر، شریک زندگی، فرآیندی را می‌گذراند که شامل مرحله آشفته‌گی هیجانی، تعلیق و اعتمادسازی است. در مرحله آشفته‌گی هیجانی، احساسات همسر آسیب‌دیده دچار تغییراتی شده و در ادامه دادن زندگی یا ترک آن دچار شک

1. Degroot

2. Guerrero & Bachman

3. Olson



می‌شود. در مرحله تعلیق، شدت عواطف همسر آسیب‌دیده، کاهش یافته و افکار و وسواسی درباره خیانت، دوری جسمی-عاطفی و حسادت مشهود است. در مرحله اعتمادسازی، همسر آسیب‌دیده، دوره‌ای همراه با بخشودگی و بدون حس تنفر و تلافی را به دلیل افزایش گفت‌وگو و نزدیک شدن مجدد زوج می‌گذراند. با توجه به اینکه مطالعات پیشین به مواجهه زنان با خیانت همسر پرداخته‌اند و در پژوهش‌های مورد بررسی نحوه مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر یافت نشد، وجه تمایز پژوهش حاضر، پرداختن به تجربه زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر است.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر برای مطالعه کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده کرده است. جامعه هدف، زنانی بودند که همسرشان در طول زندگی مشترک حاصل از ازدواج دائم با آنان، سابقه‌ای از ازدواج موقت با همسر دیگر داشته است؛ و وضعیت حاضر تأهل زنان مورد توجه نبوده است. با توجه به اینکه عموم زنان واجد شرایط مورد نظر برای شرکت در پژوهش، مایل به بروز موضوع ازدواج موقت همسرشان نیستند و بنابر دلایل فرهنگی و عرفی قابلیت شناسایی ندارند، در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، اقدام به شناسایی مشارکت‌کنندگان شد؛ به این صورت که چند نفر اول با پرس‌وجو از آشنایان و مراکز مشاوره معرفی شدند و سپس از آنان درخواست شد که اگر افراد دیگری را با شرایط مورد نظر می‌شناسند، معرفی کنند و به همین ترتیب، به تدریج سایر مشارکت‌کنندگان معرفی و انتخاب شدند. بعد از هر مصاحبه، کدگذاری انجام می‌شد و بعد از کدگذاری مصاحبه ۲۱، مقوله جدیدی یافت نشد، اما برای اطمینان از رسیدن به اشباع داده، با ۳ نفر دیگر نیز مصاحبه شد و به این ترتیب در مجموع با ۲۴ نفر مصاحبه شده است که مشخصات آنان در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

شماره	سن	تحصیلات خانم	تحصیلات آقا	تعداد فرزند	مدت ازدواج	وضعیت فعلی زندگی
۱	۳۵	دیپلم	لیسانس	۲	۱۶	ادامه زندگی
۲	۴۸	فوق دیپلم	لیسانس	۲	۲۵	طلاق
۳	۲۹	لیسانس	لیسانس	۰	۴	ادامه زندگی
۴	۴۱	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۲	۱۰	ادامه زندگی
۵	۵۸	دیپلم	فوق لیسانس	۳	۴۰	طلاق عاطفی
۶	۳۹	دیپلم	فوق لیسانس	۲	۲۰	ادامه زندگی

شماره	سن	تحصیلات خانم	تحصیلات آقا	تعداد فرزند	مدت ازدواج	وضعیت فعلی زندگی
۷	۳۹	لیسانس	لیسانس	۲	۲۰	طلاق
۸	۲۹	دیپلم	دیپلم	۰	۷	در حال طلاق
۹	۳۲	دیپلم	لیسانس	۲	۱۵	ادامه زندگی
۱۰	۲۶	لیسانس	لیسانس	۰	۱	طلاق
۱۱	۵۵	دیپلم	فوق لیسانس	۳	۳۵	ادامه زندگی جدا از هم
۱۲	۵۸	دیپلم	دیپلم	۲	۳۵	ترمیم رابطه و ادامه زندگی
۱۳	۴۵	دیپلم	لیسانس	۳	۲۲	ترمیم رابطه و ادامه زندگی
۱۴	۳۹	لیسانس	فوق لیسانس	۱	۱۵	در حال طلاق
۱۵	۵۴	دیپلم	فوق دیپلم	۳	۲۱	طلاق
۱۶	۵۵	نشم ابتدایی	فوق لیسانس	۳	۱۴	ادامه زندگی
۱۷	۳۷	دیپلم	لیسانس	۳	۱۶	ادامه زندگی
۱۸	۴۰	دیپلم	فوق لیسانس	۰	۴	طلاق
۱۹	۴۲	دیپلم ردی	سیکل	۰	۱۰	ادامه زندگی
۲۰	۳۷	لیسانس	لیسانس	۲	۸	ادامه زندگی
۲۱	۴۲	فوق لیسانس	فوق لیسانس	۳	۱۲	ادامه زندگی
۲۲	۳۹	دیپلم	دکتری	۲	۲۳	ادامه زندگی
۲۳	۵۸	دیپلم	دیپلم	۲	۳۶	ادامه زندگی
۲۴	۳۲	فوق دیپلم	لیسانس	۱	۹	ترمیم رابطه و ادامه زندگی

روش جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با استفاده از راهنمای مصاحبه بوده است. مکان مصاحبه بسته به ترجیح مشارکت‌کننده، مسجد، بوستان، منزل و دانشگاه بوده و زمان مصاحبه نیز بین ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بوده است. مصاحبه‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی<sup>۱</sup> تحلیل شدند.

#### ۴. یافته‌ها

حاصل تحلیل مصاحبه‌ها، استخراج کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر، در پنج مقوله «افشاگری»، «تاب‌آوری»، «انتقام‌جویی»، «تمرکز بر مادری» و «افزایش بهزیستی» بوده است. مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در جدول (۲) آمده و در ادامه، به همراه نمونه‌هایی از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان توضیح

1. Colaizzi



داده شده‌اند.

جدول ۲. کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر

مقوله	زیرمقوله
افشاگری	اعلام اطلاع از موضوع به همسر
	تجسس در کیفیت رابطه
	برقراری ارتباط با همسر موقت
	جدال با همسر
تاب‌آوری	سکوت و صبوری
	پذیرش و سازگاری
	تصمیم به ماندن
انتقام‌جویی	رفتارهای مقابله‌ای
	حقوقی کردن رابطه همسری
تمرکز بر مادری	فرزندآوری برای افزایش صمیمیت و تداوم زندگی
	تلاش به منظور بهزیستی فرزندان
افزایش بهزیستی	ارتقای رابطه همسری
	ارتقای فردی

#### ۱-۴. افشاگری

«افشاگری» بیان‌گر هرگونه رفتار زن برای به یقین رسیدن در مورد ازدواج موقت همسرش و شامل «اعلام اطلاع از موضوع به همسر»، «تجسس در کیفیت رابطه»، «برقراری ارتباط با همسر موقت» و «جدال با همسر» است. «اعلام اطلاع از موضوع به همسر» بیانگر هرگونه رفتار همسر دائم، به صورت پرسشی یا خبری برای آگاه ساختن شوهر از فهمیدن وضعیت ارتباط وی با همسر ازدواج موقت است. با توجه به نحوه آگاهی همسر دائم، نوع اطلاع دادن به همسر، مختلف بوده است. گاهی افراد به صورت سؤالی از پیامک‌ها و گفت‌وگوهایی که دیده‌اند یا شنیده‌اند، پرس‌وجو می‌کنند:

«دیدم پیام آمد: قرارمان همان جای همیشگی. ازش پرسیدم: کی بود که باهاش چندبار تا حالا قرار گذاشتی؟ گفت: از بچه‌های دانشگاهه. در صورتی که من فهمیده بودم نسرین نامی هست» (شماره ۱). برخی با نشان دادن محتواها یا ضبط صدای همسر، آگاه شدن خود نسبت به موضوع را به همسر اعلام



کرده‌اند: «از روی چت گوشی متوجه شدم؛ در چت‌ها خوندم که صیغه خوندند. بار دوم حاشا کرد و به من گفت توهم زدی؛ ولی وقتی فاش شد، یعنی ریکورد گذاشتم و صدایشون رو ضبط کردم و بهش نشون دادم، دیگه تیر خلاص خورد و گفت از طریق چت گفته عقد موقت کنیم و من کار حرام نمی‌کنم» (شماره ۷). گفت‌وگوی شفاف خانم دائم از نحوه مطلع شدن از ازدواج موقت همسر، گاه همراه با پشیمانی مطرح شده است: «یکی از شمال زنگ زد که: شوهرم زن بیوه بچه‌داری را صیغه کرده، من منکر شدم. گفت: شهر.....، خیابان.....؛ کارخانه شوهرم آنجا بود. به بچه‌هام نگفتم، فقط گفتم: حالم خوب نیست، گفتم مواظب من امشب باشید. اشتباه بزرگم این بود که به همسرم زنگ زدم، گفتم: یک آقای زنگ زده. و ایشان گفت امکان ندارد؛ و منکر شد و ابراز علاقه کرد. باید می‌گذاشتم بر می‌گشت، بعد می‌گفتم تا مشورت از آن خانم نگیرد» (شماره ۵).

«تجسس در کیفیت رابطه» بیان‌گر تلاش‌های گوناگون همسر دائم برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به صورت مستقیم و غیرمستقیم از ازدواج موقت همسرش است. سؤالات مختلف از همسر در رابطه با نحوه آشنایی آن‌ها و بررسی میزان صمیمیت بین آن‌ها، یکی از مصادیق تجسس در کیفیت رابطه بوده است: «به این بهانه که بریم یک دوری بز نیم، بچه‌ها را پیاده کردیم و بعد تنها شدیم؛ دیگه انکار نکرد و بعد از اصرار زیاد من گفت: رابطه‌ای نداشتم و نداریم، در حد آشنایی بوده و اینکه همدیگه رو می‌بینیم، گناه نکرده باشیم» (شماره ۶). در مواردی نیز زنان، استفاده از توانمندی‌های رایانه‌ای فرزندان برای آگاه شدن از جزئیات بیشتر رفتار همسر در ازدواج موقت را بیان کرده‌اند: «دخترم پشت پدرش تو ماشین نشسته و رمز پدرش را فهمیده بود. تلگرام پدرش را آورده بود تو گوشی خودش، همش گریه می‌کرد، خیلی چیزهای بدی دیده بود» (شماره ۱۳).

«برقراری ارتباط با همسر موقت» شامل هرگونه رفتار با هدف کسب اطلاعات از همسر ازدواج موقت بوده است. پیامک زدن به همسر موقت، در قالب زن دیگری به جز همسر دائم، و برقراری ارتباط با همسر موقت، با هدف تهدید به منظور قطع رابطه زن ازدواج موقت با همسرش، از نمونه‌های برقراری ارتباط بوده است:

«گفتم تو میدونی من چه کشیدم تا به اینجا رسیدم، شاید جای من بودی این همه زمان کنار نمی‌آمدی. تهدید جدی کردم، با چشمات تو چشماش نگاه کردم که اگر یکبار دیگه مزاحم بشی، می‌ریم کلاتری؛ چون آبرودار بود، ترسید» (شماره ۱۳).

«جدال با همسر» به اشکال مختلف، در کلام و رفتار و یا با سکوت طولانی مدت مجادله‌گرانه تجربه شده است؛ به طوری که زن، اطلاع یافتن از موضوع ازدواج موقت را به همسرش اعلام می‌کند و وی را



وام‌دار و بدهکار خود می‌داند و حتی به صورت قانونی، سعی در محکوم کردن مرد دارد. اصرار زن برای اعتراف مرد و یادآوری مداوم به همسر، حتی بعد از اعلام پشیمانی توسط مرد، فحاشی، ترک منزل، کنترل‌گری به منظور میج‌گیری، نفرین کردن و ضرب و شتم نمونه‌هایی از مصادیق جدال با همسر است: «همش دعوا و دادویی داد و بی‌احترامی داشتیم، مخصوصاً شب‌ها جای خالیش رادست می‌زد، شروع می‌کردم به نفرین و ناله» (شماره ۵).

#### ۲-۴. تاب‌آوری

«تاب‌آوری» بیان‌گر کنش‌هایی است که به فرد کمک می‌کند تا بتواند زندگی عادی داشته باشد و شامل «سکوت و صبوری»، «پذیرش و سازگاری» و «تصمیم به ماندن در زندگی» است؛ که هر یک نشان‌دهنده تحمل وضعیت موجود با توجه به اهداف و رویکردهای شخصی متفاوت بوده است. «سکوت و صبوری» زنان، انگیزه‌های مختلفی داشته و به منظور رسیدن به اهداف متفاوتی بوده است. زنان در مواردی سکوت زیرکانه را با تحمل و بردباری بر عدم افشای مسئله، به منظور ارزیابی شرایط و تصمیم‌گیری دقیق‌تر و عدم بیان مسئله به دلیل دریافت شواهد بیشتر و استفاده از شواهد برای اثبات، در پیش گرفته‌اند. حفظ مصالح فرزندان، از دیگر انگیزه‌های سکوت بوده است:

«جلوی بچه‌ها چاقو برمی‌داشت که خودم رو می‌کشم و من هنوز هیچی نگفته بودم. به روی همسر نمی‌آوردم تا دست پر باشم. همیشه اضطراب داشتم. البته به خاطر کنکور بچه هم سکوت کردم» (شماره ۷). صبوری زنان، هدفمند و با پشتوانه باورهای آنان بوده است؛ باور به اینکه قدرت بی‌انتهای خداوندی به او کمک خواهد کرد. زن با تئ‌های مثبتی که یکی از آن‌ها تربیت درست و آرامش فرزندان است، صبر پیشه کرده و با امید به داشتن زندگی بهتر، درون‌ریزی کرده و بی‌قراری نشان نمی‌دهد و به خاطر خدا و باورهای اعتقادی که دارد، در همسر‌داری و مادری اهتمام بیشتری داشته و معتقد است صبر و مدارا، مسئولیتی است که هم مرد و هم زن برعهده دارند: «صبر واقعی این نیست که من الکی به یکی که مشکلش مثل من باشه، بگم: که خودت رو بسپار به خدا، صبر کن خدا جوابش رو می‌ده، و از اون طرف خودم صبر نکنم و بگم: خدا این چی بود تو کاسه من گذاشتی؟ چرا اینجوری شد؟! این صبر واقعی نیست. من خالصانه خدارو دوست دارم و به خاطر همین می‌گم صبر واقعی اینه که چیزی نگم و همه چیز رو توی دلم بریزم و با شوهرم خوب باشم و غذای خوب بپزم و زناشویی خوب داشته باشم» (شماره ۱۹).

«پذیرش و سازگاری» بیانگر موقعیتی است که فرد، ازدواج موقت همسر را پذیرفته و نسبت به آن تنش و بی‌قراری نشان نمی‌دهد و به عنوان یک وضعیت جدید در زندگی با آن برخورد می‌کند؛ و سعی می‌کند از ایجاد بحران در زندگی، خودداری کند. این پذیرش دلایل مختلفی داشته است. در مواردی، پذیرش به دلیل

باور به نظام پاداش و جزای الهی و نشان‌دهنده باور و بینش زن نسبت به جهان هستی و قدرت الهی بوده است که در اثر آن، زن معتقد است نیازی به اقدامی از سوی او نیست و خداوند بهترین داور در ارزیابی رفتارها است و امیدوار است که خداوند جبران کند:

«حالا کی نمی‌دونم، اما مطمئنم این قصه تموم می‌شه و امیدوارم خدا جزای این زن و ایشون رو بده» (شماره ۵).

در مواردی نیز پذیرش به دلیل اطمینان و باور به همسر، متأثر از پیشینه رفتاری اش می‌باشد و آنچه برای زن درونی شده است، باور به درستکاری و رفتار اخلاقی همسر به علت داشتن ایمان واقعی او است؛ به طوری که زن معتقد است که همسرش بدون علت موجه کاری را انجام نمی‌دهد و رفتار همسرش حتماً خداپسندانه است و این باور، پذیرش موقعیت جدید را برای زن تسهیل کرده است:

«اون موقع چون شوهرم را قبول داشتم و به نظرم خیلی مؤمن بود، قبول کردم» (شماره ۱۷).

مقبولیت و محبوبیت نزد همسر، انگیزه دیگر زنان در پذیرش ازدواج موقت همسر بوده است. زن بعد از درگیری‌های ذهنی با خود به این نتیجه می‌رسد که لازم است خود را بیش از پیش نزد همسر، محبوب سازد و به همین منظور به درخواست مرد مبنی بر پذیرش ازدواج موقت، به امید یافتن موقعیت بهتر نزد همسر، در مقابل از دست دادن موقعیت قبلی، پاسخ مثبت داده است:

«همسر از من خواست اگر من را دوست داری باید او را بپذیری. گفت همین الان بهش پیام بده و بگو به خونه دلش خوش آمدی؛ و منم ساعت ۱۱ شب به اون خانم پیام دادم به خانه دل شوهر من خوش آمدی و او هم جواب داد: ممنون» (شماره ۱).

کاهش هزینه‌ها و پیامدهای منفی ازدواج موقت همسر، دلیل دیگری بوده است که زنان برای پذیرش ازدواج موقت همسر به آن اشاره کرده‌اند. زن معتقد است که اگر خودش برای انتخاب زن در ازدواج موقت همسر اقدام کند، احتمال بیماری‌های جنسی و آسیب روحی حداقل است و با نظارت و مشارکت می‌توان زندگی بهتری داشت. همچنین معتقد است در ازدواج موقت، هزینه‌ها کمتر از ازدواج دائم است و اگر از ازدواج موقت همسرش را نپذیرد، ممکن است همسرش درگیر ازدواج دائم و هزینه‌های مالی آن شود که در این صورت مشکلاتی برای خانواده در پی دارد:

«الانم از عقد موقت پشیمون نیستم، بهتره تا اینکه دائم بگیره یا طلاقم بده. عقد موقت آسیبی نمی‌زنه اگر خود زن برای شوهرش پیدا کنه که زن بدی نباشه، اینطوری رابطه خودشون هم بهتره. اگر بچه‌دار هم بشه، بچه پیش مادرش باشه و شوهر نفقه می‌ده و دیگه زن موقت خرجی نداره» (شماره ۱۶).

«تصمیم به ماندن»، بیانگر تصمیم زن به ادامه زندگی مشترک به دلایل مختلف است. در این وضعیت، زن اگرچه ازدواج موقت همسر را نپذیرفته و از این موضوع رضایت ندارد، اما خود را به مصلحت ادامه



زندگی با همسر قانع کرده است. وجود فرزندان، یکی از دلایل تصمیم به ماندن زنان بوده است. زن باور دارد که همسرش کار درستی نکرده است؛ اما به او فرصت می‌دهد بدون آنکه فرزندان متوجه بشوند، به زندگی مشترک برگردد و معتقد است برای تربیت فرزندان، لازم است جایگاه پدر حفظ شود. همچنین ترس از دست دادن فرزندان پس از جدایی، باعث می‌شود زن ترجیح دهد به خاطر ماندن کنار فرزندان، این زندگی را تحمل کند: «الان وظایف دینی‌ام رو در برابر همسرم انجام می‌دم، ولی ناراحت‌م و چاره‌ای ندارم. فقط به خاطر بچه‌هام زندگی می‌کنم، آخه تهدید می‌کنه که اگه بری، بچه‌هارو هم ازت می‌گیرم» (شماره ۲).  
 علاقه به همسر، دلیل دیگر زنان برای تصمیم به ماندن بوده است. در این شرایط، زن آقندر به همسرش وابستگی دارد که در هر شرایطی حاضر است پیش او بماند و سعی می‌کند مرتب جدال با خودش را از طریق عشق به همسر آرام کند؛ هرچند هنوز ناراحت است:

«روز آخر مشاوره به مشاور گفتم: که به من راستش رو بگو که این برمی‌گرده یا نه؟ و به مشاور گفتم: با اینکه خطا کرده واقعاً دوستش دارم. مشاور گفت: برمی‌گرده، اما الان نه، چند سال دیگه، و گفت: به این رفتارش ادامه می‌ده و دنبال خانم‌ها می‌ره. گفتم: عیبی نداره و من تلاش می‌کنم که زندگیم رو حفظ کنم» (شماره ۷).

تصمیم به ماندن، به خاطر ترس از مسائل ازدواج بعدی، دلیل دیگر مورد اشاره بوده است. زن علی‌رغم فشارهایی که به علت ازدواج موقت همسرش، در زندگی مشترک تحمل می‌کند؛ به دلیل هراس از آینده زندگی خود تصمیم به ادامه زندگی می‌گیرد. او خود را نیازمند همسر می‌داند و با توجه به افزایش سن و کاهش طراوت جوانی و مشاهده زنان جوانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، از این موضوع ترس دارد که مبادا فرصت ازدواج برایش پیش نیاید و حتی اگر هم ازدواج کند، چه تضمینی وجود دارد نفر بعدی، مشکلات دیگری نداشته باشد، در نتیجه ترجیح می‌دهد در همین زندگی بماند:

«زندگی می‌کنم، خب ممکنه ازدواج بعدی هم یه مشکل دیگه داشته باشه، منم جون قبل و جوونی قبلم رو ندارم. پس بهتره بمونم و صبر کنم شاید درست بشه» (شماره ۱۹).

نیاز مالی، دلیل دیگر تصمیم زنان به ماندن بوده است. نداشتن استقلال مالی در طول زندگی، مهریه اندک و عدم پرداخت مهریه توسط همسر و نیز عدم توانایی مالی خانواده برای حمایت از زن، او را به ادامه زندگی مشترک با هدف کسب پشتوانه مالی، علی‌رغم ناراحتی از ازدواج موقت همسرش سوق داده است: «موندم و دنبال این بودم که چیزی به نام من بشه و موفق شدم. شاید در آینده بخوام جدا بشم و برم. شاید بخوام مهریه‌م رو اجرا بذارم و خونه شهرستان رو بفروشم و خرج زندگی دخترام رو بدم. اما فعلاً به خاطر اینکه خونه به نامم هست، نمی‌خوام طلاق بگیرم، چون پشتوانه مالی دیگه‌ای ندارم» (شماره ۹).

تصمیم به ماندن به دلیل عدم حمایت خانواده و حفظ آبروی خانواده، از دیگر موارد بوده است. اینکه در فرهنگ خانوادگی زن، اعتراض و جدایی، نشانه ناسازگاری زن بوده و بسیار ناپسند است، حتی اگر علت جدایی، ازدواج موقت همسر باشد؛ بازدارنده زن از جدایی بوده است. زن برای جدایی، نیازمند تأیید و حمایت خانواده است و چون این حمایت را دریافت نمی‌کند، زندگی مشترک را ادامه می‌دهد:

«همیشه فکرم درگیر این موضوعه و ترس و لرز اینو دارم که کسی چیزی بفهمه. به خاطر خانواده‌ام، به خاطر آبروم، موندم؛ بعد هم کجا برم که حمایت بشم، خانواده ما خیلی بد می‌دونن، می‌گن با لباس عروس می‌ری با کفن برمی‌گردی، منم دیگه موندم» (شماره ۱۹).

### ۳-۴. انتقام‌جویی

«انتقام‌جویی» شامل عکس‌العمل‌هایی از سوی زن به منظور دفاع از خود در برابر شرایط حاصل از ازدواج موقت همسر بوده و شامل «رفتارهای مقابله‌ای» و «حقوقی کردن رابطه همسری» است.

«رفتارهای مقابله‌ای» شامل رفتارهای نامطلوب زن با همسرش برای تشفی خاطر خود می‌باشد. زن معتقد است وقتی در تعامل با همسرش رفتارهایی انجام می‌دهد که باعث آزار او می‌شود، دلش آرام می‌گیرد. عدم انجام کارهای منزل با هدف ایجاد بی‌نظمی و نارضایتی و رسیدگی نکردن به فرزندان، از جمله رفتارهای مقابله‌ای برای آزار همسر و تشفی خاطر بوده است:

«بچه‌ها دقیقاً متوجه شده بودن من مشکل دارم، نه غذا درست می‌کردم، نه به خونه رسیدگی می‌کردم، اینطوری احساس می‌کردم اون اذیت می‌شه و دلم خنک می‌شد» (شماره ۶).

عدم تأمین نیازهای جنسی همسر، رفتار مقابله‌ای دیگر برای انتقام‌جویی بوده است. زن سعی می‌کند در برابر همسرش حجاب داشته باشد و بدن خود را بپوشاند، اغلب از تمکین دوری کرده و با ابراز ناراحتی به صورت کلامی و رفتاری در طی رابطه زناشویی، و نیز محروم کردن همسر از رابطه، همسر خود را رنجور کند و احساس می‌کند به این وسیله می‌تواند بخشی از ناراحتی خود را جبران کند:

«اوایل نمی‌گذاشتم بدنم رو ببینه، چون متنفر شده بودم، با لباس کامل جلوش می‌رفتم. قطع رابطه کردم و گفتم باید آزمایش کامل بدی. فکر می‌کردم شاید اینطوری کمی آرامش پیدا کنم» (شماره ۶).

لجبازی در برابر همسر، نمونه دیگری از رفتارهای مقابله‌ای بوده است. زن معتقد است که به علت رفتار اشتباه همسرش، باید در موارد گوناگون با او مخالفت کند و به هر طریقی عصبانیت خودش را نشان دهد. حتی در مورد احکام شرعی، که همسرش اصرار بسیار بر رعایت آن دارد، مقاومت می‌کند تا به او ثابت کند همان‌طور که تو برخلاف میل من رفتار کردی، من هم می‌توانم مخالف خواسته تو عمل کنم:



«من لجم گرفته، چادرم را گذاشتم کنار، با مانتو می‌رم بیرون و خودم می‌دونم دارم لجبازی می‌کنم. لجبازی می‌کنم، بلکه بفهمه چقدر اذیتم کرده و عصبانی هستم و من هم دارم خلاف میل اون عمل می‌کنم» (شماره ۵).

تهدید کردن و بردن آبروی مرد نزد آشنایان، نمونه‌ای دیگر از رفتارهای زنان بوده است. زن تلاش کرده با دردرس درست کردن برای همسرش در محل کار، او را تنبیه کند و با ترساندن وی و تهدید به ورود اقوام و دوستانی که همسرش نزد آنان اعتبار دارد، از وی انتقام بگیرد: «بهش گفتم می‌رم به خانواده و دوستانم می‌گم و آبروت رو می‌برم» (شماره ۱۷).

«حقوقی کردن رابطه همسری»، اقدام دیگر زنان در دفاع از خود در برابر آزرده‌گی از ازدواج موقت همسر بوده است. زن در رابطه همسری، حقوق را بر اخلاق اولویت می‌دهد و معتقد است که باید از حقوق خودش دفاع کند و بر این باور است همانطور که مرد ازدواج موقت را حق خودش می‌داند، او هم حقوقی دارد که تاکنون به آن توجه نکرده است. در این راستا، دست به اقداماتی از جمله اجرای مهریه می‌زند تا با طرح مطالبات حقوقی خود از طریق قانون و وارد کردن فشار بر همسر، به نوعی با وی مقابله نماید:

«با خودم گفتم دیگه نمی‌گذارم کسی بهم ظلم کنه. رفتیم دفتر وکالت و مهریه و نفقه و اجرت‌المثل تعیین کردیم و تصمیم گرفتیم منم حقم رو بگیرم» (شماره ۷).

اقدام به طلاق، نمونه دیگری از اولویت حقوق بر اخلاق، توسط زنان بوده است. زنان گاهی برای اعلام نارضایتی، تهدید به طلاق کرده‌اند:

«با همسر دو باره در میون گذاشتم، ولی زیر بار نرفتن تا اینکه تهدیدشون کردم به طلاق. اون موقع دیگه راضی شدن که ماجرا رو تعریف کنن و گفتن این خانم مدتی صیغه ایشون بودن و الان دیگه رابطه‌ای ندارن» (شماره ۳).

در مواردی نیز اقدام به طلاق به دلیل نتیجه نگرستن از سایر روش‌ها برای حل مسئله بوده است: «بالآخره تصمیم گرفتم و همه چی رو بخشیدم و جدا شدم. خیلی ضربه اقتصادی و روحی زد بهم، ولی وقتی جدا شدم، انگار از زندان آزاد شدم» (شماره ۱۸).

#### ۴-۴. تمرکز بر مادری

«تمرکز بر مادری»، بیانگر افزایش توجه زن به نقش مادری در مواجهه با ازدواج موقت همسر بوده و شامل «تلاش به منظور بهزیستی فرزندان» و «فرزندآوری برای افزایش صمیمیت و تداوم زندگی» است.

«تلاش به منظور بهزیستی فرزندان»، از کنش‌های زنان با هدف در اولویت قرار دادن سلامت فرزندان بوده است، و بهبود شرایط فرزندان، به زن برای ادامه زندگی انگیزه داده است:

«همچنان مادری خودم رو حفظ کردم؛ با بچه‌هام دوست بودم و دوستی رو بیشتر هم کردم و بچه‌ها خیلی به من نزدیک‌تر شدن و خیلی به من انگیزه دادن» (شماره ۱۱).

تلاش برای تسلط بر خود در دوران شیردهی، برای پیشگیری از اثرات منفی تغذیه کودک با شیر مادر در حال ناراحتی، نمونه دیگری از تلاش‌های زنان برای افزایش بهزیستی فرزندان بوده است:

«اول وضو می‌گرفتم و شیرم را می‌دوشیدم، بعد به بچه شیر می‌دادم تا شیر ناراحتی ندهم. خیلی سعی کردم خودم رو مدیریت کنم تا روی شیرم و بچه اثر نگذاره» (شماره ۱۳).

«فرزندآوری برای افزایش صمیمیت و تداوم زندگی»، کنش دیگر زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر بوده است. زن با این باور که کاهش حضور همسر در خانه، کاهش محبت و صمیمیت را به دنبال داشته است، اقدام به فرزندآوری به منظور افزایش صمیمیت و نشاط و استحکام خانواده نموده است:

«همیشه ترس از دست دادنش رو داشتم و برای اینکه زندگی مون محکم‌تر بشه و صمیمیتمون بیشتر بشه، بچه دوم رو آوردم» (شماره ۷).

#### ۴-۵. افزایش بهزیستی

«افزایش بهزیستی»، بیانگر تلاش‌های زن برای بهبودبخشی رابطه همسری و وضعیت زندگی شخصی است و شامل «ارتقای رابطه همسری» و «ارتقای فردی» است.

«ارتقای رابطه همسری»، بیانگر تلاش‌های مختلف زن برای بهبودبخشی رابطه با همسر است. زن بر این باور است که هر رفتاری که رابطه دونفره او و همسرش را بهبود ببخشد، به بهتر شدن حال او کمک می‌کند و به شیوه‌های مختلف از جمله ایجاد فرصت‌های دونفره برای این هدف تلاش نموده است؛ برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت با هم از مصادیق این تلاش‌ها بوده است:

«اون زمان از مادرم یاد گرفتم که برای حفظ به زندگی باید جنگید. گاهی جنگ با نفس آدمه و گاهی با خطرات بد هست. یاد گرفتم تو جایگاهم به عنوان خانم خونه بمونم و جای خودم رو به غریبه و شخص سومی ندم. با هم سینما می‌ریم و حتی مسافرت‌هایی تنهایی می‌ریم، با اینکه دلم نگران بچه‌ها هست، ولی سعی می‌کنم به روی خودم نیارم» (شماره ۱۲).

افزایش توجه عاطفی و جنسی به همسر از دیگر تلاش‌های زنان برای ارتقای رابطه همسری بوده است. زن سعی کرده است در بیان احساسات و حتی ظاهر خود تغییراتی ایجاد کند تا بتواند پاسخگوی انتظاراتی باشد که مرد در ازدواج موقت، به دنبال تأمین آن بوده و به نوعی رفع کمبودها تلاش کرده است:

«فهمیدم می‌تونم لباس خوب بپوشی و پیش بند ببندی؛ فکر کن مرد خودت هم یک مهمان است. وقتی تو خونه خوش تیپ نگردی، خودت هم برای خودت ارزش قائل نمی‌شی، بچه‌ها هم برات ارزش قائل نیستن. وقتی برای خودم ارزش قائل شدم، همسر هم برای من ارزش قائل شد» (شماره ۱۳).



تقویت مهارت همدلی، بیان احساسات و ابراز نیاز به همسر، از دیگر موارد بیان شده است: «می‌گم باید قریون صدقه‌ام بری و لوسم کنی. الان احساس نیاز می‌کنم و نیازم رو بهش می‌گم، اینطوری حالمون بهتر می‌شه» (شماره ۶).

تلاش برای حفظ احترام و افزایش اعتماد و عزت نفس همسر، مصداق دیگری از ارتقای رابطه همسری بوده است. زن علی‌رغم دلخوری از همسر، به صورت ذهن‌آگاه، با کنترل هیجان خود، رفتارارش را مدیریت کرده، و از بحث و جدل با همسر و رفتارهایی که منجر به از بین رفتن اعتماد و حرمت وی می‌شود، پرهیز نموده و با هدف پیشگیری از تحقیر و سرزنش همسر، ازدواج موقت همسرش را مخفی نموده و با هدف حفظ جایگاه پدر در خانواده، مانع اطلاع فرزندان از ازدواج موقت پدر شده است:

«من به همسرم اطمینان خاطر دادم که اعتماد کامل بهش دارم و حرف‌های اون خانم برای من سند نیست و باورش نمی‌کنم. همسرم آروم شد و اون خانم هم دیگه پیداشون نشد و همسرم هم دیگه اون کار رو تکرار نکردن» (شماره ۱۲).

«ارتقای فردی»، بیان‌گر تلاش‌های زن برای رشد فردی خویش در حیطه فکری و رفتاری است. زن معتقد است که لازم است بیشتر به سلامت جسم و روان خود توجه کند تا بتواند مسئله ازدواج موقت همسر را مدیریت کند. زنانی که برای ارتقای فردی تلاش کرده‌اند، لزوماً روش‌های یکسانی را در پیش نگرفته‌اند. بازاندیشی نگرشی، یکی از روش‌های اتخاذ شده بوده است که بیان‌گر مروری دوباره نسبت به نگرشی است که فرد نسبت به خود و رفتارهایش در زندگی مشترک داشته است. زن در اثر این بازنگری به این نتیجه رسیده که اگر نگرش او به زندگی مشترک و رابطه همسری به گونه‌ای دیگر بود و به فردیت خود اهمیت بیشتری می‌داد و کم‌تر گذشت می‌کرد، در حال حاضر وضعیت بهتری داشت. به این ترتیب نگاهی نو، مبنی بر خود-ارزشمندی و افزایش توانمندی خود به منظور زندگی فردی بهتر در زن شکل گرفته است:

«ابتدای امر خودم را زنی می‌دونستم که به خاطر عشقش گذشت کرده و کاری کرده که عشقش خوشبخت بشه. ولی کم‌کم باورم تغییر کرد، تا جایی که اگر زنی با این شرایط خودم ببینم می‌گم جدا بشه. گذشت حدی داره، باید طرف بفهمه وگرنه اشتباهه، من خودم رو بی‌ارزش کردم و الان وضع بدی دارم» (شماره ۱۴).

برخی زنان نیز از صرفه‌جویی در هزینه کردن برای خود، پشیمان هستند و به این باور رسیده‌اند که درست است که زنی که خرج ندارد، ارج ندارد:

«من خیلی قناعت می‌کردم و زیاد ملاحظه همسر رو کردم. واقعاً زنی که خرج نداره ارج نداره. خیلی گذشت داشتم همه جا، ولی اشتباه کردم» (شماره ۶).



لزوم دوست داشتن خود و احترام گذاشتن به خود و اهمیت دادن به علایق فردی، از دیگر نتایج بازاندیشی نگرشی توسط زنان بوده است:

«من به خودم احترام می‌گذارم الان، می‌گن که شیک و تمیز می‌گردی، من می‌گم برای خودم و دل خودمه» (شماره ۱۱).

باور به الزام فعال کردن پتانسیل‌های شخصی و توانمندی خویش برای عدم نیازمندی به همسر و کسب استقلال، از دیگر موارد بیان شده بوده است:

«می‌خوام به لحاظ مالی و تحصیلی پیشرفت کنم تا خودم بشم مرد زندگی خودم و به هیچ مردی تا آخر عمر محتاج نباشم. الان دارم برای کنکور می‌خونم» (شماره ۸).

روش دیگر زنان برای ارتقای فردی، تلاش برای بهزیستی فردی و شامل هر اقدامی به منظور تغییرات رفتاری پس از تغییر نگرش است. روان‌درمانی، یکی از این اقدامات بوده است که در طی آن، زن از طریق مراجعه به درمانگر یا از طریق آموزه‌های روان‌شناختی به ترمیم آسیب‌های روحی و ارتقای سلامت روانی خود پرداخته است:

«تصمیم گرفتم برم مشاوره و کمکم کرد. همسرم هم دارودرمانی شد. زود زندگی گل و بلبل نشد و دخترم با باباش حالش بد می‌شد. تا مدتی حرف پدرش را گوش نمی‌داد، اصلاً با پدرش حرف نمی‌زد و طول کشید تا اوضاع بهتر شد. برای دخترم هم رفتم پیش مشاور. او هم خیلی کمک کرد» (شماره ۱۳).

مراجعه به روان‌شناس و مشاور، وقتی به قصد درمان باشد، می‌تواند در بازه زمانی کوتاهی، هزینه نسبتاً زیادی را بر فرد تحمیل کند. اما زن با وجود مشکلات مالی، ترجیح داده است با مدیریت اقتصادی، درمان را در اولویت قرار دهد:

«من تو شرایط خیلی بدی بودم، تکه‌تکه طلاهام رو فروختم و پول مشاور دادم. برای دخترم هم مشاوره کنکور می‌گرفتم و برای همسرم هم مشاوره می‌گرفتم» (شماره ۷).

زن همچنین از طریق ارتقای مهارت‌های شخصی روان‌شناختی مثل خودگویی مثبت، شرکت در کلاس‌های گروهی، مثل خودشناسی و ارتباط مؤثر، توانسته است زندگی بهتری را همراه با رضایت‌مندی بیشتر برای خود ایجاد کند:

«من یک سالی کلاس خودشناسی رفتم. خیلی تغییر کردم در آن کلاس و من خودم را شناختم، یعنی واقعاً فهمیدم که آدم باید اول به خودش احترام بگذاره» (شماره ۱۱).

در مواردی نیز پس از تشخیص مشاور و برای سرعت بخشیدن به مدیریت روان و التیام بحران‌های روحی، پیشنهاد برای دارودرمانی داشته و مراجعه به روان‌پزشک نموده و مقاومتی برای مصرف داروهای اعصاب نکرده و اثر آن را مثبت اعلام کرده است:



«یک مدت دکتر روان‌شناس رفتم، حتی روان‌پزشک رفتم و دارو خوردم، ولی دیدم با دارو خوردن و یک جا افتادن به تنهایی درست نمی‌شه، هرچند دارو هم خیلی کمک کرد» (شماره ۵).

توجه به معنای زندگی و معنویت و درک عمیق مفهوم زندگی، از دیگر روش‌هایی بوده که باعث بهبود زندگی زن شده است: «آدم وقتی با رویکرد دینی میاد جلو، خدا هم بهش کمک می‌کنه، پس ناامید نباشیم، بالأخره هرکسی یک دلیلی برای زندگی داره. اگرچه خسته کننده است، ولی فایده داره» (شماره ۱۳).

برای زنان معنای زندگی غالباً اتصال به قدرت بی‌انتهای خداوند است و از طریق ارتباط با خداوند، حال بهتری را تجربه کرده‌اند. خواندن دعا و قرآن و راز و نیاز با خداوند، باعث افزایش توان روحی شده و هرچه شخص بیشتر به معنای زندگی توجه کرده، وضعیت روحی بهتری را تجربه کرده است:

«تو خودم بودم، رفتم به سمت مفاتیح و دعا. افسردگی نگرفتم، خیالم از خودم راحت بود، رفتم سمت قرآن» (شماره ۱۸).

انجام فعالیت‌های خیریه و تلاش برای بهبود حال دیگران نیز بر افزایش بهزیستی مؤثر بوده است:

«کارهای خیریه هم انجام می‌دم، وقتی به کسی کمک می‌کنم، حالم بهتر می‌شه» (شماره ۱۱).

استفاده مفید از اوقات فراغت و پرداختن به فعالیت‌های سرگرم‌کننده از جمله ورزش نیز از عوامل توجه مثبت به خود و بهتر زندگی کردن بیان شده است:

«یکی از راه‌های دیگه ورزشه که کمک کرده، من شنایم با دوستانم، گردش می‌رم و این‌ها من رو نگه داشته. احساس می‌کنم از وابستگی و خمودگی و افسردگی دراومدم» (شماره ۵).

قرار گرفتن در جمع و خود را متعلق به گروه دانستن، روش دیگری بوده که زن از طریق آن احساس بهتری نسبت به زندگی پیدا کرده است:

«فعلاً سر خودم رو با خانواده و دوست‌های قدیم گرم می‌کنم و بهترم» (شماره ۱۸).

تلاش برای کسب استقلال مالی از طریق اشتغال و کسب درآمد نیز از اقدامات زنان در راستای بهزیستی فردی بوده است:

«رفتم دنبال کار تا بتونم استقلال مالی داشته باشم و این کمک کرد» (شماره ۲۴).

##### ۵. نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر شامل «افشاگری»، «تاب‌آوری»، «انتقام‌جویی»، «تمرکز بر مادری» و «افزایش بهزیستی» بوده است. این یافته‌ها همسو با نتایج پژوهش رحیمی امین (۱۳۹۸)، آسایش و همکاران (۱۳۹۷) و امینی‌ها و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد زنان در مواجهه با ارتباط عاطفی - جنسی همسرشان با زن دیگر، کنش‌های متفاوتی، با دو هدف کلی صلح و

تخاصم داشته‌اند. همکاری و گفت‌وگوی مرد با همسر اول و توجه به وی، تأثیر بسزایی در حل بحران و سازگاری دارد که همسو با نتایج پژوهش کمالی و همکاران (۱۳۹۷)، گواررو و باکمن (۲۰۰۸)، اولسون و همکاران (۲۰۰۲) است. در مواردی که زن با مراجعه به مشاور، مشورت تخصصی گرفته، نحوه مواجهه وی به ارتقای شخصی یا بهبود رابطه همسری انجامیده است؛ که در این راستا پژوهش دگروت (۲۰۱۴) نیز به تأثیر مثبت مراجعه به مشاور اشاره کرده است. همچنین نقش مادری در نحوه مواجهه با ازدواج موقت همسر، نقش مهمی دارد که در پژوهش آسایش و همکاران (۱۳۹۷) به این موضوع اشاره شده است.

کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسر را می‌توان در دو دسته مقابله مسئله‌مدار و مقابله هیجان‌مدار قرار داد. تاب‌آوری، تمرکز بر مادری و افزایش بهزیستی از نوع مقابله مسئله‌مدار، و افشاگری و انتقام‌جویی مقابله هیجان‌مدار بوده است. در تاب‌آوری فرد از طریق تحمل و تأمل بیشتر، سعی کرده است تصمیم عاقلانه‌ای بگیرد و شرایط بحرانی را که با آن مواجه شده به خوبی مدیریت کرده و آسیب‌های ناشی از آن را به حداقل رسانده است. در افزایش بهزیستی نیز رمز موفقیت زنان، بهره‌گیری از مشورت بوده است و هرچه این مشورت سریع‌تر و با افراد آگاه‌تر صورت گرفته، نتایج بهتری داشته است؛ خصوصاً مشورتی که بدون افشاگری ازدواج موقت همسر انجام شده و به عبارتی زن با تغافل نسبت به ازدواج موقت همسر، رفتارهای آگاهانه و مدبرانه‌ای را برای استحکام خانواده انجام داده است. در انتقام‌جویی، فرد اقدام به رفتارهایی با هدف تشفی خاطر نموده است و با اقداماتی هیجانی و سنسجیده درصدد تلافی رفتار همسر بوده که باعث آزدگی وی شده و این نوع مقابله نتیجه مثبتی به دنبال نداشته است.

کنش‌های زنان در مواجهه با ازدواج موقت همسرشان وابسته به سن، شغل و تحصیلات نبوده است. از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر چگونگی مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر، رضایت و آگاهی قبلی زن، میزان ارتباط عاطفی و جنسی، داشتن فرزند و پشتوانه اقتصادی بوده است. در رابطه با تأثیر رضایت و آگاهی قبلی زن بر نحوه مواجهه با ازدواج موقت همسر، می‌توان گفت آگاه شدن ناگهانی از ازدواج موقت همسر بدون زمینه قبلی، باعث تألم خاطر و واکنش منفی شدید زن شده است؛ به طوری که در مواردی که سال‌ها است مرد ازدواج موقت دارد، تا زمانی که زن مطلع نشده، مشکل خاصی در زندگی با همسر نداشته است. به عبارتی، ازدواج موقت در حاشیه زندگی زناشویی و بدون آسیب برای همسر دائم بوده است؛ ولی بعد از مطلع شدن زن از ازدواج موقت همسر و جزئیات ارتباط او با همسر موقت، زن مشکلات گذشته و حال را به ازدواج موقت همسر نسبت داده است. زنان با آگاهی از ازدواج موقت همسر به گونه‌های مختلفی به آن واکنش نشان داده‌اند. در ابتدا همگی برای کشف صحت ازدواج موقت همسر خویش، تلاش کرده‌اند و به محض اطمینان از موضوع، دچار هیجانات منفی شدند. زنانی که به روش‌های مختلف، همکاری در



ازدواج موقت داشته‌اند و یا رضایت به ازدواج موقت همسر داده‌اند، غالباً هیجان‌ات منفی ابتدایی کمتری داشتند. هدف اصلی این زنان، حفظ استحکام خانواده، آرامش زندگی زناشویی و رضایت همسر بوده است، و البته این همکاری تا زمانی ادامه داشته که منجر به آسیب در زندگی نشده است. زنانی که در ازدواج موقت همسر همکاری داشته‌اند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. زنانی که به اهداف مورد نظر رسیده‌اند و از این همکاری و مشارکت رضایت دارند.  
ب. زنانی که به دلیل توجه بیشتر همسر به همسر موقت، در مقایسه با همسر دائم، به اهداف مطلوب خود نرسیده‌اند و به این دلیل از همکاری خود اعلام پشیمانی کرده‌اند.

زنانی که در ازدواج موقت همسر خویش همکاری نداشته‌اند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:  
الف. زنانی که پس از مواجهه مناسب، موفق به داشتن زندگی زناشویی مطلوب و رضایتمندانه شده‌اند.  
ب. زنانی که سازگاری بدون آرامش یا توأم با اختلال در آرامش را انتخاب کرده‌اند.  
ج. زنانی که طلاق قانونی گرفته‌اند یا بدون طلاق قانونی، جدا از همسر زندگی می‌کنند.

در رابطه با تأثیر میزان ارتباط عاطفی و جنسی بر چگونگی مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر باید گفت زنان، پس از کنکاش از میزان و نوع رابطه همسرشان با همسر موقت و کسب اطلاع، هر چقدر رابطه عاطفی بیشتر بوده، هیجان منفی بیشتری را در واکنش‌ها از خود نشان داده‌اند. همچنین با اطلاع از رابطه جنسی، مقابله هیجان‌مدار منفی شدت گرفته و زمینه بخشودگی و سازگاری از سوی زن، به شدت کاهش یافته است. این موضوع در برخی از زنانی که در ازدواج موقت همسر همکاری داشته‌اند، متفاوت بوده است و این زنان در شرایطی که در مقایسه با گذشته، بیشتر از نظر عاطفی، مورد توجه همسر خویش قرار گرفته‌اند، هیجان‌ات منفی بسیار کمتری را تجربه کرده‌اند. در ارتباط با نقش فرزندان در چگونگی مواجهه با ازدواج موقت همسر، زنانی که فرزندی نداشتند، غالباً طلاق گرفته‌اند و اگر زندگی را ادامه داده‌اند، قصد فرزندآوری ندارند؛ زیرا همسر را لایق پدری نمی‌دانند. زنانی که فرزندانشان از سنین کودکی و نوجوانی عبور کرده‌اند، بیشتر طلاق عاطفی را انتخاب کرده‌اند. به نظر می‌رسد هرچه سن فرزندان کمتر باشد، نگرانی مادر درباره فرزندان بیشتر است و هرچه سن فرزندان بیشتر باشد، مادر راحت‌تر تصمیم به طلاق عاطفی یا قانونی می‌گیرد. در مورد زنانی که فرزند داشته‌اند، فرزندان به سه صورت در نوع مواجهه زنان نقش آفرین بوده‌اند. برخی از زنان به دلیل حفظ آرامش و تربیت فرزندان، سعی کرده‌اند آنان متوجه این موضوع نشوند و بیشتر خود را وقف پرورش فرزندان کرده‌اند و معتقدند هر چقدر فرزندان کمتر در جریان موضوع ازدواج موقت همسر قرار بگیرند، به همان میزان، آسیب کمتر می‌شود. برخی دیگر از زنان، فرزند دیگری به دنیا آورده‌اند تا ابزاری برای پایبندی پدر به زندگی باشد. دسته‌ای نیز به فرزندان رسیدگی نکرده‌اند تا از این طریق بر همسر

فشار وارد کنند. در ارتباط با تأثیر پشتوانه اقتصادی بر نحوه مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر می‌توان گفت، زنانی که پشتوانه اقتصادی داشته‌اند، سریع‌تر و راحت‌تر برای طلاق تصمیم گرفته‌اند، اما زنانی که نگرانی اقتصادی دارند، ضمن ادامه زندگی زناشویی از طرق مختلف، نظیر اصرار به همسر برای تملک بخشی از دارایی به نام زن، پیگیر کسب امنیت اقتصادی هستند.

در مجموع اگرچه ازدواج موقت همسر که بدون آگاهی و رضایت همسر دائم انجام شده، در اغلب موارد بحران‌زا بوده؛ اما در شرایطی که مواجهه درستی در قالب ارتقای بهزیستی با آن صورت گرفته است، نتایج مثبتی به دنبال داشته که از جمله آن رشد معنوی، افزایش خودآگاهی، افزایش مهارت ارتباط مؤثر بین‌فردی و بهبود رابطه همسری بوده است. بنابراین، با توجه به تأثیر نحوه مواجهه زنان با ازدواج موقت همسر بر پیامدهای بعدی، آموزش اتخاذ راهبردهای مقابله مسئله‌مدار و پرهیز از مقابله هیجان‌مدار در مواجهه با این موضوع توسط مشاوران به زنان درگیر با این موضوع پیشنهاد می‌شود.



## منابع

- آسایش، محمدحسن؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ دلاور، علی؛ سلیمی بجستانی، حسین (۱۳۹۷). تجارب و واکنش‌های شناختی زنان آسیب‌دیده از بی‌وفایی همسر: یک مطالعه پدیدارشناسی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۲۰۳-۱۸۸، ص ۲۰۳.
- احمدی، خدابخش (۱۳۸۷). بهداشت روانی خانواده. تهران: مرکز تألیف کتاب‌های درسی.
- احمدی، خدابخش؛ آزاد مرزآبادی، اسفندیار؛ ملازمانی، علی (۱۳۸۴). بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه. طب نظامی، ۲۰۷(۲)، ص ۱۴۱-۱۵۲.
- اسماعیلی، فرهاد (۱۳۸۴/۵/۱). ازدواج موقت؛ موافقان و مخالفان. روزنامه اعتماد، شماره ۸۸۷، صفحه ۸.
- اعزاز، شهبلا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- امینی‌ها، آزاده؛ فرح‌بخش، کیومرث؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۴). تفحص کیفی در واکنش همسران به افشای خیانت زناشویی. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۳)، ص ۷۲-۹۲.
- رحیمی امین، سمیرا (۱۳۹۸). واکاوی تجربه زیسته زنان در مواجهه با خیانت همسر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهراء.
- ریاحی، محمداسماعیل (۱۳۹۱). شناسایی همبسته‌های اجتماعی میزان و دلایل موافقت یا مخالفت با ازدواج موقت. خانواده‌پژوهی، ۸(۳۲)، ص ۴۸۵-۵۰۴.
- فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان. دانشور رفتار، ۱۱(۷)، ص ۱۶-۹.
- قاسمی، سارا (۱۳۸۴/۵/۱). ساختار اجتماعی ما صیغه را نمی‌پذیرد. روزنامه اعتماد، شماره ۸۸۷، ص ۸.
- کمالی، سارا؛ عامری، فریده؛ خسروی، زهره؛ رضانی، محمدآرش (۱۳۹۷). تجربه زیسته زنان از روابط فرازناشویی همسر: یک مطالعه پدیدارشناسی. خانواده‌پژوهی، ۱۴(۵۳)، ص ۹۵-۱۱۲.
- لیبی، محمد مهدی؛ حیدری ورنامخواستی، لیدا (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تاریخی ازدواج. تهران: علم.
- هاشمی، حسین (۱۳۸۶). نقدی بر ازدواج موقت در فقه عامه. کتاب زنان، ۳۵(۹)، ص ۱۲۸-۱۰۰.
- Degroot, M. (2014). The Betrayed Partner's Experiences with Grief and Loss Following the Discovery of an Extramarital Affair. *Master of Social Work Clinical Research Papers*. URL=[http://sophia.stkate.edu/msw\\_papers/307](http://sophia.stkate.edu/msw_papers/307)
- Guerrero, L.K. & Bachman, G.F. (2008). Communication following relational transgressions in dating relationships: An investment-model explanation. *Southern Communication Journal*, 73(1), p. 4-23.
- Olson, M.M., Russell, C.S., Higgins-Kessler, M. & Miller, R.B. (2002). Emotional processes following disclosure of an extramarital affair. *Journal of Marital and Family Therapy*, 28(4), p. 423-434.